

### متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد طاهرزاده: ظاهراً در رابطه با معنا و تعریف انسان دو نگاه وجود دارد: ۱. یکی نگاه «اسانسیالیستی و ذات گرایانه و غیرتاریخی» است که اساساً انسان را موجودی ثابت و غیرتاریخی تصور می کند و یک بار برای همیشه حکمی ثابت و نهایی را در رابطه با معنای انسان مطرح می کند. ۲. و دیگری نگاه هیستوریستی و تاریخی به انسان است که انسان را موجودی بالذات تاریخی تصور می کند و معتقد است اگزیزتانس و نحوه هستی آدمی تاریخمند و دارای حیث تاریخی است. استاد، حضرتعالی در آثار خودتان همواره هم بر روی نسبت ذاتی و وجودی و عین الربطی انسان با هستی و وجود تأکید داشتید، و هم همواره بر روی نسبت ذاتی انسان معاصر با حقیقت تاریخی انقلاب اسلامی و تابش تاریخی آن تقدیر تاریخی و آن حقیقت بر ذات انسان به حکم «کل یوم هو فی شأن» تأکید داشتید. حال پرسش بنده این هست که اولاً: کتاب «انسان و باز انسان» چه حضور تازه و دیگری را مدنظر دارد؟ ثانیاً: در میانه دو نگاهی که مطرح شد حضرتعالی نگاه تان به انسان چگونه نگاهی است؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه بحث در کتاب «انسان و باز انسان» نظر به حضور تاریخی انسان دارد، ولی در نزد خود و در بستر تاریخی که با انقلاب اسلامی گشوده شده با زبانی که زبانش زبان اشاره است برای مخاطبی که در خود چنین حضوری را می شناسد. به همین جهت از ابتدا تا انتهای کتاب مذکور هیچ نکته‌ای که آموزشی باشد برای مخاطب در میان نیست مگر این که وجود خود را که وجودی است تاریخی، به جلوه‌های مختلف و با جملاتی که اشاره به آن حضور دارد، باز در خود احساس کند آنهم در میدان وجود و به امید درک شدن بیشتر از وجود؛ که البته گفتنی نیست. موفق باشید